

وجوه اشتراک و افتراق قرائت، تلاوت و ترتیل از نظر ادبی و رویه‌ی عملی قراء

تاریخ دریافت مقاله: اسفند ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: اردیبهشت ۱۴۰۰

حمیده کوهی گرمی^۱، فرج بهزاد^۲

^۱ دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

^۲ استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

نویسنده مسئول:

حمیده کوهی گرمی

چکیده

این مقاله می‌کوشد وجوه اشتراک و افتراق سه اصطلاح قرائت، تلاوت و ترتیل را از منظر ادبی و رویه‌ی عملی قراء، با استفاده از متن قرآن نظیر آیات (فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ) و (وَأَنْ أُنلُوا الْقُرْآنَ) و آیه‌ی (وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً) توضیح دهد. قرائت اعم از تلاوت، و ترتیل مطلق خواندن، حتی بدون درک معانی و مفاهیم اطلاق می‌شود. مانند آیه‌ی (إِقْرَأْ كِتَابَكَ)، تلاوت اخص از قرائت است و به خواندن متون و کتب آسمانی دلالت دارد. ترتیل روح کلی حاکم بر قرائت و شیوه‌ی خواندن است. در بیان امیر المومنین علی^۷، ترتیل تجوید حروف و معرفت و قوف است. همچنین به نظر می‌رسد، نسبت قرائت و تلاوت از لحاظ منطقی، عموم و خصوص مطلق است؛ به این معنا که هر تلاوتی قرائت است اما هر قرائتی لزوماً تلاوت نیست.

کلمات کلیدی: قرائت، تلاوت، ترتیل، اشتراک، افتراق.

مقدمه

قرآن، معجزه‌ی جاوید اسلام و یگانه کتاب آسمانی است که امتیاز بزرگ تشریح احکام و تکالیف وارده در شریعت را دارا می‌باشد. این هدیه‌ی ارزشمند الهی و آسمانی از دو جنبه‌ی عمومی و خصوصی برخوردار است؛ هم توده‌ی مردم از آن بهره‌مند می‌گردند و هم خواص استفاده‌ی شایان از آن می‌برند. به همین سبب قرائت و تلاوت قرآن بر همه واجب است تا هم از محتوای بلند آن آگاه گردند و هم از ترنم قرائت آن لذت ببرند. البته توجه به مفاهیم بلند آن و طرز صحیح قرائت و تلفظ الفاظ آن، که مصداق (الَّذِينَ يَتْلُونَهُ حَقًّا تِلَاوَةً...) (بقره، ۱۱۲) است، در تحقق اهداف حضرت حق و زحمات نبی مکرم خدا مؤثر خواهد بود.

قال رسول الله: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ ذَكَرَ أَوْ أَنْثَى، حُرًّا أَوْ مَمْلُوكًا إِلَّا وَ لِلَّهِ عَلَيْهِ حَقٌّ وَاجِبٌ أَنْ يَتَعَلَّمَ مِنَ الْقُرْآنِ وَ يَتَفَقَّهُ فِيهِ» (بروجردی، ۱۳۸۸، ص ۹). پیامبر اکرم می‌فرماید: «هیچ زن و مرد مؤمنی نیست، آزاده و برده، مگر اینکه خداوند بر او حق واجب دارد که باید (به اندازه توانش) قرآن را بیاموزد و در آن بیندیشد و نسبت به معارف و احکامش آگاهی پیدا کند». در احادیث اسلامی برای تعلیم و تعلم قرآن، سفارش زیادی شده و برای آن پاداش فراوانی در نظر گرفته شده است و این امر مسلمانان را بر آن داشته تا به عنوان یک تکلیف الهی، قرآن را بیاموزند و به دیگران نیز آموزش دهند. پژوهشگران در زمینه‌ی قرائت و تجوید، مفاهیم و معنای آیات، تفسیر و تبیین آن و مسائل دیگر بسیار کوشیده‌اند. ما هم به قدر وسع اطلاعات قرآنی در عرصه قرائت و نیز با تکیه بر منابع موجود، مطالبی را درباره‌ی نقاط اشتراک و تمایز مفهومی و اصطلاحی «قرائت، تلاوت و ترتیل» گردآوری کرده‌ایم.

قرائت**۱- ریشه‌ی قرائت و تعریف لغوی و اصطلاحی آن؛**

راغب در مفردات می‌گوید: «إِقْرَأَ وَ قَرَأْتَ»، از ریشه‌ی «قَرَأَ» به معنی «جمع کردن و به هم پیوستن» است و مقصود از آن در سخن، جمع و ضمیمه کردن و پیوستن حروف و کلمات به یکدیگر در آشکار خواندن قرآن به صورت ترتیل است که با به هم پیوستن حروف، کلمات با معنی، و با پیوستن کلمات و حروف باهم، جملات مفید ساخته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰). به همین جهت، هر جمع و پیوندی، «قرائت» نیست؛ یعنی لفظ قرائت به هر ضمیمه کردنی اطلاق نمی‌شود. مثلاً جمع شدن قومی یا عده‌ای را به دور هم، «قرائت القوم»، نمی‌گویند. و همچنین تلفظ حرفی واحد را قرائت نمی‌گویند (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵، ذیل ماده قَرَأَ).

در تعریفی گفته اند قرائت به معنای خواندن و در اصطلاح، خواندن واژگان قرآن با کیفیتهای متفاوت به روایت از پیامبر (ابن الجزری، ۱۳۵۰ ق، ص ۳) و یا چگونگی ادای صحیح حروف و کلمات قرآن که در صدر اسلام از پیامبر گرامی اسلام شنیده شده است (حبیبی و شهیدی، ۱۳۹۱ ش، ص ۹۳). و در اصطلاح علوم قرآنی، قرائت به وجهی از وجوه احتمالی نص قرآن اطلاق میگردد (خواجوی و حاجی شریف، ۱۳۸۹، ص ۳۹) و آن اصطلاحی قدیمی است که بازگشت آن به دوران صحابه‌ی پیامبر اکرم می‌رسد.

۲- علم قرائت؛

علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و شناخت اختلاف آنها به حسب راویان است.

۳- مقری؛

کسی که در کیفیت ادای کلمات قرآن دانشمند است و آن را به نحو شفاهی از سلسله استادان این علم شنیده است. و با توجه به اینکه در قرائت های گوناگون قرآن برخی از امور جز با شنیدن لب به لب فهمیده نمی‌شود لذا خواندن کتاب های این علم برای مقری بودن کافی نیست.

۴- تاریخچه علم قرائت؛

پیدایش این علم، همزمان با نزول قرآن کریم و از کهن ترین دانش های اسلامی و دارای منزلتی بس عظیم به شمار می رود زیرا اولین آموزش صحابه از علوم دین، حفظ و اهتمام به قرآن و قرائت آن بوده است. چون قرائت به فرمان حق، فعل جمیل جبرئیل است، فلذا قرائت پیامبر اکرم به پیروی از جبرئیل امین بوده و خواندن قرآن تأسی به این وجود شریف و نیز اقتدا به رفتار رسول اکرم است و چون نام قرآن از قرائت است بهترین شکل وفاداری به این نام، جز قرائت نیست (عباسی مقدم، ۱۳۹۰ ش، ص ۹۰).

امر «قرائت» علی رغم وجود پدیده ی «کتابت» از صدها سال پیش از اسلام سابقه داشته است، ولی با ظهور اسلام و نزول قرآن گسترش پیدا کرد. یعنی وحی برای بشریت عهدی از قرائت را آغاز کرد که پس از زمان پیغمبر اکرم ۶ به صورت فعلی ملازم با انسان بوده است (مدرّسی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۸). از سویی توصیه های نبی مکرم ۶ در زمینه ی صحیح خوانی قرآن نشان می دهد که حضرت خود، «مُخَوِّد» بوده و قرآن را با لحن زیبایی می خوانده است (قاری، ۱۴۱۹ق، ص ۲۰).

۵- شیوهی قرائت قرآن کریم؛

قرآن با استناد به آیه ی (وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً) (فرقان، ۳۲) به «ترتیل» نازل شده است و بر اساس آیه ی شریفه (وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً) (مزمل، ۴۴)، شیوه ی قرائت قرآن نیز باید به صورت ترتیل باشد (حبیبی و شهیدی، ۱۳۹۱، ص ۹۳). به همین جهت راغب در معنی «قرائت» می افزاید: «ضَمُّ الْحُرُوفِ وَالْكَلِمَاتِ بَعْضَهَا إِلَى بَعْضٍ فِي التَّرْتِيلِ» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰). از دقت در این معنی بر می آید که «قرائت» در جریان ترتیل مطرح است و جزئی از آن به حساب می آید (نجفی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۹). پیامبر اکرم ۶ می فرماید: «قرآن را به الحان عرب و نعمات زیبا بخوانید و از الحان و نغمه های فاسقان بپرهیزید» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ۸۵۸). وقتی قرائت به عنوان یک امر الهی و از سفارشات معصومین ۸ است، بهتر است قرآن به وجه ترتیل و به لحن عربی زیبا قرائت شود.

۶- وجه تسمیه ی قرآن؛

برخی قرآن را مشتق از «قرن» به معنای ضمیمه کردن دانسته اند. آنان در توجیه نامگذاری چنین اسمی بر وحی آسمانی گفته اند: «چون حروف و آیات و سوره ها، مقرون به یکدیگرند، خداوند نام قرآن را بر این مجموعه نهاده است. عده ای دیگر که قرآن را هم ریشه با «قرائن» دانسته اند، بر این باورند که چون در این کتاب هماهنگی کامل میان همه آیات وجود دارد و همه باهم قرینه اند و تشابه تام و تمامی با یکدیگر دارند، خداوند چنین نامی برای کتاب خود برگزیده و همین تشابه و هماهنگی را در کتاب خویش بیان کرده است: (اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْخَبِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا) (زمر، ۲۳)، مراد از کتاب متشابه، کتابی است که هماهنگ و یکنواخت است. در معنای «قرآن» نیز گفته شد که چون این کتاب، جامع علوم و ثمرات کتب آسمانی پیشین و یا جامع انواع علوم و یا در برگیرنده ی امر و نهی و وعد و وعید و... است، به آن «قرآن» گفته شده است.

نظریه ی علامه طباطبایی: در مورد نامگذاری قرآن؛

علامه طباطبائی مفسر و اندیشمند بزرگ قرآنی، در معنای آیه ی شریفه ی (إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) وَوَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ (زخرف، ۳ و ۴)، به نکته بسیار لطیف اشاره کرده و می گوید: مراد از (أُمِّ الْكِتَابِ) همان لوح محفوظ است، و نامگذاری لوح محفوظ به «أُمِّ الْكِتَابِ» بدین جهت است که آن، سر منشأ همه ی کتب آسمانی است. و مقصود از «عَلِيٌّ» شرافت و قدر و منزلت قرآن است که عقول را توان رسیدن به آن نیست. و منظور از «حکیم» بودن قرآن، آن است که قرآن در جایگاه اولی و اصلی خویش، تفصیلی و تقسیمی به سوره ها و آیات و کلمات نداشته و این تفصیل پس از آن صورت گرفته که به صورت «قرآن عربی» درآمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۳۱۲).

پس لفظ مبارک «قرآن» اسم جنس و در اصل، مصدری بر وزن (فَرَقَانُ وَرُجْحَانُ) و از ریشه ی «قَرَأَ» به معنی «خواندن»، و اسم علم برای کتاب خدا گشته است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰) اسم جنس بودن لفظ قرآن، یعنی این کلمه هم برای همه ی «قرآن» و هم برای حتی یک آیه آن به کار می رود. یعنی اگر یک آیه از قرآن در شب قدر نازل شده باشد کافی است. (نجفی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۹) و می توان گفت قرآن در شب قدر نازل شده است. خداوند در سوره قدر فرموده: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) (قدر، ۱).

البته «خواندن» وضوحی بیشتر از «شنیدن محض» دارد، زیرا که سبب ایجاد عمل متقابل میان انسان و نصی است که می خواند و شاید این کتاب به همین جهت به قرآن نامگذاری شده است. فلذا در موارد زیر، خواندن آیات با لفظ «قرائت» بیان شده است:

(الف) (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) (علق، ۱).

(ب) (وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ تَنْزِيلًا) (إسراء، ۱۰۶).

(ج) (...فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...) (مزمل، ۲۰).

(د) (وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ...) (اعراف، ۲۰۴).

۷- روش های «اصطلاحی» قرائت قرآن؛

دانشمندان علم تجوید که از کیفیت ادای صحیح حروف و همچنین حفظ وقوف بحث می کنند، اعتقاد دارند که خداوند در آیه ی ۳ سوره ی مزمل با خطاب به پیامبر ۶ مبنی بر خواندن قرآن بصورت ترتیل و شمرده، مسلمانان را به رعایت قواعد تجوید

دعوت نموده است. از طرفی امام علی: در تعریف واژه ی ترتیل فرموده اند: «التَّرتیلُ تَجْوِیدُ الحُرُوفِ وَ مَعْرِفَةُ الوُوقُوفِ» ترتیل عبارت از نیکو ادا کردن حروف و شناخت محل وقف‌های قرآن است (ابن الجزری، ۱۳۵۰ ق، ص ۲۰۹). این تعریف به وسیله امیر مؤمنان ۷ گویاترین مفهوم و مبنای اصلی در تعریف ترتیل است. پس اصطلاح ترتیل در نظر عالمان تجوید عبارت است از «قرائت قرآن با ادای صحیح حروف و آرامش کامل و تولید هر حرفی از مخرج مربوط به خود با رعایت صفات آن» (قمحای، ۱۴۰۵، ص ۵) بنابراین در اصطلاح قرائت، ترتیل عبارت است از: «خواندن قرآن به صورت منظم و شمرده که حروف و کلمات صحیح ادا شوند، همراه با تدبیر در معانی آیات» (علّامی، ۱۳۷۸ ش، ص ۵۰).

روش ترتیل و اقسام آن

خواندن قرآن به صورت «ترتیل» پایه و اساس قرآنی داشته و مسلمانان به آن تشویق شده‌اند؛ با توجه به تعریف امام علی ۷ و دیگران از واژه ی ترتیل، قرآن به هر شکلی خوانده شود، در صورتی آن را «ترتیل» گویند که همراه با صحت قرائت حروف و کلمات باشد. بنابراین برای تلاوت صحیح قرآن یک روش بیشتر موجود نیست و آن «ترتیل» است. ترتیل مرتبه ی خاصی در کنار دیگر مراتب قرائت نیست. بلکه روح کلی حاکم بر مراتب قرائت است (موسوی بلده، ۱۳۸۲، ص ۲۱). معیار صحت قرائت قرآن و مطابقت آن با «ترتیل» یعنی جنبه های آواشناسی و معناشناسی الفاظ و حیاتی است که با عنایت به اصل رعایت ترتیل و با توجه به تندی و کندی دور تلاوت و بر اساس هدف قاری از آن، اقسام و صورت های متفاوتی به خود می‌گیرد (علّامی، ۱۳۷۸، ص ۴۹).

۱- شیوه ی تحقیق:

تحقیق در لغت به معنی مبالغه در انجام چیزی بدون کمی و زیادی یا رسیدن به حقیقت چیزی است (ابن الجزری، ۱۳۵۰ ق) و در اصطلاح، عبارتست از به جا آوردن حق هر حرفی از اشباع مدّها، تحقیق همزه‌ها، تمام و کمال آوردن حرکات، اظهار کامل حروف، غنه‌ها، تفکیک حروف از یکدیگر و در نظر گرفتن محل وقف های مجاز. از این روش برای آموزش قرائت، در کلاس ها استفاده می شود (علّامی، ۱۳۷۸، ص ۵۰). و به مرور زمان به یک روش تلاوت مشهور شده است. برای نمونه میتوان به تلاوت مجلسی اساتید مصری از جمله استاد مصطفی اسماعیل اشاره کرد که در آن تمام موارد تجوید و وقف و ابتدا و صوتی و لحنی رعایت شده است.

۲- شیوه ی حدّز:

این واژه مصدر است. ماضی و مضارع آن «حَدَرَ، یَحْدُرُ» و از ابواب ثلاثی مجرد است. برخی آنرا «تحدیر» نیز نامیده‌اند. حد در لغت به معنی سرعت پیدا کردن و در سراسیمگی قرار گرفتن است. و در اصطلاح، سریع خواندن قرآن و تخفیف قواعد آن؛ مانند به قصر خواندن مدّها و ساکن کردن حروف متحرک. نکته مهم اینست که در قرائت حدّز، نباید از حدّ «ترتیل» خارج شد، زیرا ترتیل ملاک صحیح خوانی قرآن است. ابن جزری می‌نویسد؛ «وَ لَا یَخْرُجُ عَن حَدِّ التَّرتیلِ» (ابن الجزری، ۱۳۵۰). در واقع زمانیکه تالی قرآن هدفش ختم قرآن و تلاوت آیات بیشتری از کلام خدا است، از روش «حدّز» یا «تحدیر» سود می‌جوید (علّامی، ۱۳۷۸، ص ۵۰).

۳- شیوه ی تدویر:

تدویر در لغت به معنی گرد کردن و مدوّر گردانیدن چیزی آمده است؛ و در اصطلاح، عبارت از قرائتی بین تحقیق و حدّز است، به این صورت که کلام خدا با به کارگیری الحان عرب و آواهای آن، نیکو قرائت می‌شود. یعنی با تحسین (زیبا گردانیدن) لفظ و صدا همراه است. تلاوت قرآن به روش تدویر، روش بسیاری از پیشوایان قرائت بوده است. آنان که قائل به مدّ دادن مدّ منفصل هستند ولی آن را به حدّ طول نمی‌رسانند (علّامی، ۱۳۷۸، ص ۵۱). پس بطور خلاصه می‌توان گفت که خواندن قرآن با تأنی و به طوری که همراه با تدبیر در معانی و رعایت تمامی قواعد تجویدی باشد، ترتیل است و بهترین نوع ترتیل «تدویر» است. این همان روشی است که در میان مردم به «ترتیل» مشهور است. هر سه مرتبه ی ذکر شده باید همراه ترتیل باشد پس هر تحقیقی ترتیل است، اما هر ترتیلی تحقیق نیست، شاید تدویر یا تحدیر باشد (موسوی بلده، ۱۳۸۲، ص ۱۹). در روش ترتیل نیز می‌توان به تلاوت اساتید مصری از جمله استاد محمد صدیق منشای اشاره کرد که کل قرآن را به صورت تدویر تلاوت کرده است. که در این نوع تلاوت نیز تمام موارد تجوید و وقف و ابتدا و صوتی و لحنی رعایت شده است. در تفاوت تلاوت تحقیق و تدویر می‌توان گفت که تحقیق سرعتش کند و تدویر سرعتش متوسط می‌باشد. و نیز در تلاوت تحقیق دست قاری از لحاظ مساحت صوتی باز است اما در تلاوت تدویر چنین نبوده و میزان مساحت صوتی نسبت به تحقیق کمتر می‌باشد.

تلاوت

۱- ریشه ی تلاوت:

واژه و اصطلاح قرآنی «تلاوت» یکی از صورت های مصدری ریشه «ت.ل.و» و به معنای خواندن است (بیهقی، ۱۳۶۶، ص ۹۹). به نوشته ی ابن فارس ذیل «تلو» این ریشه یک معنا بیشتر ندارد و آن، در پی آمدن «اتباع» است و چون در خواندن قرآن آیات در پی یکدیگر می آیند به آن «تلاوت القرآن» می گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۳۵۱). راغب اشاره کرده است که واژه ی تلاوت فقط به خواندن کتاب های آسمانی اختصاص دارد، بر خلاف قرائت که کاربرد آن عام است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳ ش، ص ۷۵). مفسران از جمله طباطبایی، خواندن «قرائت» را از آن رو تلاوت می گویند که حروف از پی یکدیگر می آیند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۲۹۸).

تلاوت از ریشه ی «تلی- یتلو» به معنی «در پی آمدن، دنبال کردن» است به نحوی که ما بین تابع و متبوع، چیزی جز تبعیت نباشد. حال اگر «متابعت»، «امری مادی و یا پیروی در حکم» باشد، مصدرش، «تَلَوَّ و تَلَوَّ و تَلَوَّ» خواهد بود و اگر «متابعت» به واسطه ی قرائت یا تدبیر در معنی باشد مصدرش «تِلَاوَةٌ» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۱۰۴).

پس تعریف لغوی تلاوت عبارت از تلاوت قرآن و متابعت از آن در قرائت و دنبال کردن معانی و پیروی در عمل می باشد. توضیح بعدی شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۹۹) و مرحوم طبرسی (طبرسی، ۱۳۶۰، ص ۱۹۱) نیز درخور توجه است؛ «عمل خواندن را تلاوت می گویند چون حروف در پی یکدیگر ادا می شوند، و به آن قرائت می گویند از آن رو که حروف در یک جا جمع می شوند اصل معنای «ق.ر.» جمع شدن است».

۲- تلاوت در اصطلاح:

در اصطلاح علوم قرآنی «تلاوت» یعنی قرائتی که همراه با فهم معنا باشد به طوری که فهم منتهی به عمل مفهوم آیه تفهیم شده باشد. در واقع، قرائت به همراه فهم معنا را عمل تلاوت می گویند.

بر اساس تعریفی که از تلاوت ارائه گردید و نیز در بیان شرح عبارت زیبای قرآن یعنی (يَتْلُوْنَهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ...) باید اذعان نمود که تلاوت شایسته، آن تلاوتی است که از روی تدبیر و تأمل در مفاهیم آیات قرآنی باشد به گونه ای که زمینه برای عمل به دستورات قرآن فراهم گردد. یعنی تلاوت شایسته، مقدمه ی عمل است و خواندن سراسری قرآن بدون تدبیر و بدون فکر و عمل، فایده ی چندانی ندارد (جعفری، ۱۳۷۶، ص ۳۴۱).

۳- حَقَّ تلاوت:

عبارت «يَتْلُوْنَهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ أَوْلَيْكَ...» (به شکل مضارع و جمع آمده و مصدر آن «تلاوت» و معنای آن از پی در پی خواندن و به قرینه ی سیاق عبارت از فهمیدن و پیروی کردن است. و کلمه ی «حَقَّ» حقیقت تلاوت را که عبارت از تلقی آیات و درک حقائق قرآنی است بیان می کند (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر عبارت مذکور از امام صادق ۷ آورده اند که آن حضرت فرمودند: «آیات قرآن را شمرده می خوانند، به معنای آن پی می برند، به احکام آن عمل می کنند، به بشارت های آن امیدوارند، از وعده های عذابش بیمناک اند. به وسیله قصه های آن عبرت می گیرند: اوامر آن را اجرا می کنند و از نواهی آن خودداری می نمایند... منظور از: (يَتْلُوْنَهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ) این است که آیات قرآن را مورد تدبیر و تفکر قرار دهند و به احکام آن عمل نمایند. چنانکه در آیه ۲۹ سوره ص می فرماید: کتاب مبارکی است که نازل کردیم تا درباره آیات آن تدبیر و تفکر نمایند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۴۹۲).

پس عبارت «يَتْلُوْنَهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ»، به معنای نوعی خاصی از تلاوت است که برای همگان حاصل نیست. برخی با اینکه به قرآن معتقدند، به بهانه ناتوانی از ادراک معنای آن، از تلاوت یا اندیشه در آن خودداری می کنند؛ این غفلتی بزرگ است که کسی به بهانه ی ناتوانی از فهم قرآن، اصل تلاوت آن را ترک کند؛ برخی نیز با وجود تلاوت و کوشش برای آگاهی از معانی، بر اثر پایبندی به سنت های تقلیدی و محرومیت از تفکر عقلی قادر به فهم قرآن نیستند، بلکه می کوشند افکار و آرای خود را بر قرآن تحمیل کرده و خواسته های خود را از زبان قرآن بشنوند. تلاوت اینان «حَقَّ تلاوت» نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۳۸۲).

بنابر روایاتی از پیامبر اکرم ۶، امام علی و امام صادق ۸، حَقَّ تلاوت مرتبه ای است که تلاوت کننده ی قرآن، آن را با فهم و تدبیر بخواند و به دستوره های آن به گونه ای شایسته عمل کند. صاحب تفسیر پرتوی از قرآن می نویسد: (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُوْنَهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ)، «آتَيْنَاهُم» همان رسیدن و جای گرفتن کتاب در ذهن و قلب گروه خاص است. وگرنه کتاب برای همه آمده است. چه آن ها که به حَقَّ تلاوت کنند، و چه آن ها که به همین زبان بخوانند و بگذرند (طالقانی، ۱۳۵۸، ص ۲۸۳).

۴- مراحل حق تلاوت:

حق تلاوت قرآن مرحلی دارد که هرکدام از آنها مصداق خاصی دارد. توضیح اینکه فرمان تقوا گاهی بصورت (فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ) (تغابن، ۱۶) و گاهی بصورت (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ) (آل عمران، ۱۰۲) ارائه می‌شود؛ چنان‌که فرمان جهاد گاهی بصورت (وَ أُعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) (انفال، ۶۰) و زمانی بصورت (وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ) (حج، ۷۸) ارائه می‌شود؛ یکی بر مدار عدل و دیگری بر محور احسان، یکی به عنوان تزکیه و دیگری بعنوان تضحیه است. دستور خواندن کتاب خدا نیز گاهی بصورت (فَأَقْرَعُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ) (مزمل، ۲۰) و زمانی بصورت (يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ) (بقره، ۱۲۱) ارائه می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۳۹۵).

«حق تلاوت» با تدبیر منصفانه آمیخته و به حق تلاوت کنندگان، به آن ایمان می‌آورند. کسی که دوست دار خداست، چون قرآن کلام اوست با تأنی و دقت قرائت می‌نماید، زیرا که لازمه‌ی دوستی هر چیزی دوستی آثار او است (نصرت، ۱۳۶۱، ص ۱۶۱).

۵- آثار حق تلاوت:

پس از ایمان آوردن، تلاوت حقیقی قرآن اثری جدید دارد و آن افزایش ایمان تلاوت کننده است؛ (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا) (انفال، ۲) و این افزایش ایمان بر اثر ادراک جدید است. حال اگر تلاوت، صرف قرائت باشد، قاری هرگز معنای آن را نمی‌فهمد تا بر ایمانش افزوده شود. نفوذ هدایت کتاب و تلاوت به حق آن، اگر با تدبیر و تفکر باشد، موجب چنین ایمان ثابت و مستمری است (طالقانی، ۱۳۵۸، ص ۲۸۲). قرآن با توجه به تأثیر آیات الهی در اهل انصاف، گروهی از اهل کتاب را چنین می‌ستاید که آنان کسانی هستند که چون آیات الهی از قرآن، برایشان تلاوت شود به سجده می‌افتند؛ (...إِنَّ الَّذِينَ أوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُونَ لِلْأَذْقَانِ سَجْدًا * وَيَخِرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَنْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا) (اسراء، ۱۰۷-۱۰۹). البته آنچه سبب خضوع و خشوع آن‌هاست تلاوت همراه با ادراک آنان نسبت به معناست، نه صرف قرائت قاریان.

مسیحیان حق طلب، آنگاه پس از استماع تلاوتی که با ادراک و تعلیم آنان همراه بود، اشک شوق چشم آنان را پر می‌کرد (وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ) (مائده، ۸۳). این آیه، دریچه‌ای از آینده را در برابر دید پیامبر اکرم ﷺ گشود که گویا اندیشه‌های مردم پاک فطرت و حق‌جوی اهل کتاب در سرزمین‌ها و زمان‌های مختلف از تعصبات برتر آمده و با دقت کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و به آن می‌گریند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۳۹۸).

ترتیل**۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی ترتیل و کاربرد آن در قرآن:**

ترتیل از ریشه‌ی «رَتَلَ» به معنای منظم و مرتب بودن و اگر معنی مرتب بودن و منظم بودن را از باب مجرد، به باب تفعیل ببریم، «ترتیل» به معنای منظم و مرتب کردن و نظام بخشی خواهد بود (راغب اصفهانی، پیشین، ص ۱۸۷). و نیز «ترتیل» به معنی در ردیف هم قرار گرفتن، زیبایی چینش و هماهنگی به بهترین وجه است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۴۶). رتل الشیء، مقصود آن است که نظم و ترتیبی نیکو پیدا کرد. رتل در اصطلاحات نظامی به معنی صف بستن سپاهیان و به ترتیب پشت سر هم قرار گرفتن آلات و ادوات نظامی است. و رتل الکلام، یعنی اجزاء سخن را خوب با یکدیگر پیوست. و رتل القرآن یعنی در خواندن قرآن تأنق و حکمت بکار برد (معلوف، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸).

«راغب» در مفردات، توضیحاتی برای ترتیل آورده است که نه با معنی باب مجرد آن هماهنگ است و نه با کاربرد واژه در قرآن، سازگاری دارد: «الترتیل: إِنْ سَأَلَ الْكَلِمَةَ مِنَ الْقَمِّ بِسُهُولَةٍ وَ اسْتِقَامَةٍ، قَالَ تَعَالَى وَ رَتَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا، وَ رَتَّلْنَا تَرْتِيلًا» ترتیل: فرستادن و خارج نمودن کلمه از دهان با سهولت و به شیوه‌ی صحیح است. چرا که خداوند می‌فرماید: (وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ...).

راغب به جزء مقدم از معنی ترتیل نظر دارد. حال آنکه عمده، بخش مفاهیم آن است. و آیات و احادیث مربوط به ترتیل به وضوح، تلقی ظاهری از «ترتیل» را مردود می‌شمارد. بنابراین از آنجا که قرآن با روح بشر، سروکار دارد، این «چینش و انتظام» هم در بخش «الفاظ قرآن» و هم در حوزه‌ی «محتوا و معانی آیات» مطرح است. مصداق فرمایش علیؑ در خطبه‌ی ۱۸ نهج البلاغه؛ «القرآن ظاهرهً أُنْبِقُ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ»، هم زیبایی ظاهر و هم عمق باطن را گویاست. و در واقع، بخش الفاظ، انتظامش، مقدمه‌ای است برای ورود به حوزه معانی قرآن.

واژه‌ی ترتیل و مشتقات آن فقط در دو آیه از قرآن کریم به کار رفته است:

الف) در مورد اول خداوند آنرا به خود نسبت داده و می‌فرماید: (كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا) (فرقان، ۳۲). این معنی از «ترتیل» به خداوند منسوب است بدین سان قرآن را یک باره فرو نفرستادیم به این دلیل که از این راه، دل پر التهاب تو را ثبات بخشیم و - دلیل دیگر اینکه - آنرا ما به نحو خاصی، چیده و نظام بخشیده‌ایم. یعنی ترتیل قرآن به معنی نظم و چینش خاص آیات، به منظور تأمین نیازهای فکری و روحی انسان و نیز هدایت مؤمنان و ثبات قلب آنان است. (سعدی، ۱۳۸۴، ص ۳۴)

ب) دومین آیه (...وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا)، ترتیل به پیامبر اکرم نسبت داده شده که خدای تبارک از آن حضرت می‌خواهد تا قرآن را به صورت ترتیل قرائت نماید. مقصود از ترتیل، در این آیه حضور قلب و کمال معرفت است؛ یعنی پیامبر ۶ بدین وسیله با تأمل درحقایق آن به عظمت پروردگار پی برده و دلش به نور معرفت الهی روشن گردد (فخرالدین رازی، ۱۳۷۱، ج ۳۰، ص ۶۸۳). بنابراین تدبیر در قرآن و کمال انسان به شیوه‌ی ترتیل صورت می‌پذیرد (نقی پور، ۱۳۸۱، ص ۳۹۵):

۲- مراحل ترتیل؛

تلاوت قرآن به صورت ترتیل، به دو دسته تقسیم می‌شود؛

الف) ترتیل در لفظ:

مقصود، صحیح خواندن قرآن و قرائت آن به صورت شیوا و شمرده است (سعدی، ۱۳۸۴، ص ۳۴) که مصادیق بسیاری را در بر می‌گیرد:

۱- رعایت مخارج حروف؛ این بخش قدم اول در ترتیل قرآن است (فخر رازی، ۱۳۷۱). امام علی ع در این باره می‌فرمایند: «ترتیل، رعایت مخارج حروف و حفظ وقف‌ها است» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۲۶۶). عدم رعایت مخارج حروف، موجب تغییر در معنای کلمه گردیده (بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۵) و بی‌معنا شدن واژگان و از بین رفتن مفهوم آیه و حتی کفرآمیز گشتن آن را در پی دارد. لذا دقت در تلفظ صحیح حرکات، جزء مباحث مقدماتی ترتیل به حساب می‌آید (نقی پور، ۱۳۸۱، ص ۴۰۱).

۲- توجه به آهنگ کلمات و موسیقی قرآن؛ دومین قدم در بخش ترتیل خوانی است. امام صادق ع در این باره می‌فرمایند: «ترتیل آن است که در آیات قرآن، مکث و تأمل و وقف‌نمایی و آن را با صدای زیبا بخوانی» (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۱۹). از آنجا که صوت زیبا، تحوّل و دگرگونی بسیاری را در روحیه‌ی انسان ایجاد می‌کند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۳۳۱)، خداوند نیز در آیات کتاب خویش موسیقی خارق‌العاده و اعجاز‌گونه‌ای قرار داده که تأثیر شگرفی در روح و جان انسان ایجاد نموده و وی را شیفته‌ی خود ساخته است (شریعتی، ۱۳۴۶، ص ۴۹). این تأثیر پذیری شگرف در زمان پیامبر اکرم ص به حدّی بود که قنار به خاطر ترس از آن، سعی می‌کردند در هنگام تلاوت قرآن، چنان هیاهویی به راه بیندازند تا صدای آن به گوش مردم نرسد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۷۸).

۳- تقطیع آیات؛ بهره‌مندی از سفره قرآن به قدر ظرفیت هاست. بنابراین باید آیات قرآن در قالب عبارات کامل و به اندازه‌ی نفس و متناسب با کشش ذهنی از یکدیگر تقطیع گردد، تا با تفکّر و تدبّر بهتر در آن، فهم بیشتری در مطالب صورت گیرد. عایشه در مورد شیوه‌ی قرائت پیامبر ص می‌گوید: «پیامبر پیوسته قرائت خود را، آیه آیه تقطیع می‌نمود» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۲۶۱).

۴- پرهیز از شتاب‌زدگی در قرائت؛ قدم چهارم در تلاوت قرآن عدم سرعت و شتاب است. امام صادق ع می‌فرمایند: «به یقین قرآن، به سرعت قرائت نمی‌گردد ولی به شیوه‌ی ترتیل خاصّ تلاوت می‌شود» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۴۹۷). قرآن مانند کتب معمولی با سریع خوانی، معنی آیاتش فهمیده نمی‌شود و کلماتش مانند کلمات قصار هر قطعه‌ی آن معنای منحصر به فردی ندارد. فلذا به مؤمنان، قرائت به صورت ترتیل هشدار داده شده تا آن را با سرعت نخوانند و مطالب آنرا از هم پراکنده نسازند (نقی پور، ۱۳۸۱، ص ۴۰۱).

۵- تداوم و پیوستگی در قرائت؛ تداوم قرائت همیشگی آیات، اصل پنجمی است که ترتیل در لفظ را تکمیل و شرایط مناسبی را برای ورود به ترتیل در معنا فراهم می‌آورد. خداوند در قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: (...فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ) (مزمل، ۲۰) «...اکنون آنچه برای شما میسر است از قرآن بخوانید».

ب) ترتیل در معنا:

در خواندن قرآن علاوه بر ترتیل لفظی، به ترتیل در معنا نیز نیاز دارد که در سه حوزه صورت می‌پذیرد (سعدی، ۱۳۸۴، ص ۴۲):

۱- توجه به معانی و طرح سؤال؛ طرح سؤال انگیزه‌ی قوی برای تدبیر در قرآن به وجود می‌آورد و نقشی اساسی در تمرکز فکر و جهت دهی آن در پیگیری آیات و مفاهیم آن‌ها به عهده دارد. اساساً ذهن بدون سؤال، انگیزه‌ای برای کنکاش و جستجو در جهت تأمین احتیاجات فکری نخواهد داشت. بنابراین انسان باید حین قرائت، در سه حوزه‌ی ترجمه، تفسیر و تأویل قرآن کریم سؤالاتی را برای خود طراحی نماید (نقی پور، ۱۳۸۱).

۲- تأنی در آیات؛ در قرآن مجید تأمل در آیات، دلیل نزول تدریجی قرآن معرفی شده است: (وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا) (اسراء، ۱۰۶) «و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم». از آنجا که تأنی در آیات و مرور آهسته، فرصت و زمینه‌ی مناسبی را برای پیدایش انگیزه‌ی تفکر در آن‌ها پدید می‌آورد، لذا خداوند با در نظر گرفتن استعدادهای مختلف افراد، نزول تدریجی قرآن را موقعیت گران بهایی برای تأنی و تأمل در آیه‌ها معرفی می‌کند (کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶، ج ۵، ص ۳۱۱).

۳- تدبیر در آیات؛ تدبیر به معنای اندیشیدن است که ژرف اندیشی و عاقبت اندیشی انسان را به همراه داشته و به کشف حقایق می‌انجامد که در ابتدای امر و با نگاه ظاهری به چشم نمی‌آیند. مسیر تدبیر در قرآن کریم، همان ترتیل است که از قرائت آیات شروع و با اندیشیدن در آن، به عمل ختم می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ) (بقره، ۱۲۱) «کسانی که کتاب آسمانی به آن‌ها داده‌ایم (بهدود و نصاری) آن را چنان‌که شایسته‌ی آن است می‌خوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می‌آورند و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند».

امام صادق ۷ در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مقصود از این افراد کسانی هستند که آیات قرآن را با ترتیل قرائت می‌کنند و در معانی آن تفکر و بدان عمل می‌کنند» (کاشانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷). از این حدیث و احادیث دیگری که از ائمه‌ی اطهار: در باب ترتیل و تلاوت قرآن بیان شده به خوبی در می‌یابیم که تلاوت راستین، همان تلاوت به شیوه‌ی ترتیل است (نقی پور، ۱۳۸۱، ص ۳۷۶).

۳- نقاط اشتراک و تمایز میان قرائت، تلاوت و ترتیل؛

مهمترین نقطه اشتراک بین الفاظ «قرائت و تلاوت و ترتیل» این است که در هر سه حالت، خواندن آیات قرآن صورت می‌گیرد.

اما تفاوت لغوی و معنایی تلاوت و قرائت این است که قرائت به معنای خواندن و غالباً خواندن صورت ظاهر آیات است، «تلاوت» علاوه بر خواندن صورت ظاهر آیات به معنای و مفاهیم و مصادیق و اوامر و نواهی نیز توجه دارد (انصاری، ۱۴۲۴ق، ج ۱۳، ص ۲۵۰).

واژه‌ی تلاوت برخلاف قرائت که کاربرد آن عام است، فقط به خواندن کتاب‌های آسمانی اختصاص دارد. بر اساس توضیحات لغوی قبلی، تلاوت قرآن، «متابعت از قرآن در قرائت و دنبال کردن معانی و پیروی در عمل» می‌باشد؛ بنابراین هر «تلاوتی»، «قرائت» می‌باشد اما هر قرائتی لزوماً «تلاوت» محسوب نمی‌شود؛ یعنی به قرائتی که پی‌درپی و با توجه به معانی و در نتیجه مؤثر در نفس انسانی باشد تلاوت می‌گویند، چرا که کاربرد تلاوت در آیات نشان دهنده‌ی اهمیت معناگرایی در آن است.

- اساساً «تلاوت» در مواردی به کار می‌رود که مطالب قرائت شده، وجوب پیروی را در پی آورد. از این رو گفته نمی‌شود «تَلَوْتُ رِفْعَتَكَ»: «نامه‌ات را تلاوت کردم»، بلکه صحیح آن، «قَرَأْتُ رِفْعَتَكَ» می‌باشد؛ این معنی را به وضوح در آیات می‌بینیم: (أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (بقره، ۴۴) «آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید در حالیکه شما کتاب را تلاوت می‌کنید! پس چرا تعقل نمی‌کنید». غرض از انزال قرآن هم هدایت بشر به بهترین راه‌ها بوده است، فلذا اولین اسباب هدایت آن است که پیامبر ۶ برای امت تلاوت فرمایند سپس به دستورهای آن عمل شود (وَأْتِلْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ) (کهف، ۲۷)، (طیب، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۳۴۶).

گاهی ممکن است بر اثر قرینه، از دستور تلاوت به قاری، صرف لزوم رعایت اصول تجویدی اراده شود، نه دقت در محتوا. تلاوت، خواندن همراه با تدبیر و از اینرو غیر از قرائت است. چنانکه در فرمان (وَأْتِلْ عَلَيْهِمْ...) (مائده، ۲۷- یونس، ۷۱- شعراء، ۶۹) ادراک معانی مطرح است. پس مطابق آیات شریفه، یکی از تفاوت‌های دو واژه‌ی تلاوت و قرائت با یکدیگر در این است که اگر کسی کتاب آسمانی را به حق تلاوت کند غالباً ایمان می‌آورد. در حالیکه قرائت، هر چند با رعایت قواعد تجویدی باشد چنین اثر غالبی را ندارد.

قرائت، زمینه‌ی تلاوت را فراهم می‌کند، تلاوت مقدمه‌ی تعلیم حکمت، و تعلیم حکمت مقدمه‌ی تزکیه و تزکیه، هدف است و کسی که به هدف برسد به فلاح رسیده است. خدای سبحان نیز فلاح را در گرو مبادی و مقدمات، مانند قرائت، تلاوت، تعلیم و تعلیم نمی‌داند، بلکه آن را در رهن تزکیه معرفی می‌کند؛ (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا) (شمس، ۶۹).

(وَأْتَلُ مَا أُوحِيَ) بیانگر آن است که خداوند به صورت امری از پیامبر ۶ خواسته تا آیاتش را در دسترس مسلمانان قرار داده و آنرا نشر دهد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۵۲). تعبیر مفسران مختلف از عبارت: (وَ أَنْ أتلُوا الْقُرْآنَ) گواه صدق ادعای ماست که اغلب آن‌ها از لفظ «أتلوا» مفهوم مأموریت آن حضرت بر خواندن قرآن بر خلق و دعوت آنها از این طریق برداشت کرده‌اند (سورآبادی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۷۹۵). المیزان در تفسیر این آیه‌ی شریفه، تلاوت آیات را از وظایف پیامبر ۶ شمرده و می‌فرماید، مراد از «تلاوت قرآن» تلاوت بر مردم است، به دلیل تفریعی که بر آن کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۴۷). تفسیر احسن الحدیث نیز این آیه را در رابطه با وظیفه‌ی اجتماعی پیامبر اکرم ۶ دانسته که ایشان باید قرآن بخواند و مردم را به سوی خدا دعوت کند.

«قرائت»: منظور از «اقرا»، دستور خواندن به مردم نیست، هر چند که خواندن بر مردم یکی از اغراض نزول وحی است (طباطبایی، همان، ج ۲۰، ص ۵۴۷). در قرآن کریم، آنجا که از «قرائت»، خواندن برای مردم و نیز «تأنی و دقت» مقصود باشد فعل قرائت یا با قید اضافی آورده شده است. مثل عبارت: (وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا) (إسراء، ۱۰۶): «و قرآنی را نازل کردیم (قطعه قطعه نازل کردیم) که آن را بر مردم با آهستگی و تأنی و درنگ بخوانی».

قرائت، صرف خواندن کلمات و الفاظ است حتی بدون فهم معانی، و مختص خواندن قرآن نیست. چنانچه خداوند در قیامت به انسان‌ها می‌فرماید (اقْرَأْ كِتَابَكَ) (إسراء، ۱۴): یعنی: «نامه‌ی عملت را بخوان». پس اگر هنگام خواندن قرآن فقط به ظاهر الفاظ بسنده کنیم «قرائت» کرده ایم نه «تلاوت».

آیات مربوط به «قرائت»، آیاتی است که در اوایل بعثت نازل شده است. یعنی زمانی که هنوز مردم جاهل بوده‌اند و زمینه‌ای برای فهم قرآن وجود نداشت. مثل آخرین آیه‌ی سوره مزمل: (فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...).

اما مسئله‌ی «تلاوت» در آیاتی است که در مدینه نازل شده است. نمونه‌ی آن آیه‌ی (إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ) در سوره‌ی مبارکه‌ی فاطر و یا در سوره‌ی بقره (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ) یعنی خداوند نفرموده «يَقْرَؤُونَهُ».

چون «تلاوت» شامل هر دو معنی پیروی و تبعیت کردن و دیگری خواندن یک متن از روی تدبیر است، وقتی گفته شود که فلانی قرآن تلاوت کرد، در واقع هر دو معنی مورد نظر است. یعنی قرآن را از روی تدبیر خواند و از آن پیروی کرد. بنابراین تلاوت شایسته، تلاوتی است که عمل را در پی دارد.

«ترتیل»: از این واژه فقط در یک آیه برای بیان نزول قرآن استفاده شده است: (وَ رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا) (فرقان، ۳۲) «قرآن را با درنگی ویژه و پیامی بر تو خواندیم». و در آیه‌ی دیگر برای بیان چگونگی خواندن قرآن (وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا)؛ (مزمل، ۴) «و قرآن را با ترتیل مناسب بخوان». پس ترتیل یعنی درست و شمرده و شیوا و به نظم و توالی خواندن و مقدم و مؤخر نکردن است، طوری که مطلب به خوبی دریافت و مؤثر شود.

ابن جزری در تعریف ترتیل می‌نویسد: پیوسته و آهسته و بدون شتاب خواندن قرآن، چون قرآن بدون شتاب و به تأنی نازل شده است. برخی گفته‌اند: ترتیل آهسته و شمرده خواندن به قصد تدبیر و تفکر و استنباط معانی است (کلینی، ۱۳۶۹، ص ۶۱۴، روایت ۳۰۱).

اگر دقت شود، نتیجه بررسی نقطه اشتراک ترتیل و تلاوت، پرداختن به مفهوم است نه فقط الفاظ.

تفاوت ترتیل با تلاوت

با توجه به معنای لغوی کلمه، منظور از «ترتیل» این است که قرآن با آرامش و طمأنینه و به صورت منظم و مرتب و بدون عجله و شتاب خوانده شود که در چنین حالتی هم در خواننده اثر خود را می‌گذارد و هم شنونده را تحت تأثیر جاذبه‌ی خود قرار می‌دهد. همچنین ترتیل همراه با اندیشیدن در آیات قرآنی است. بنابراین کسی که قرآن را تند و با شتاب می‌خواند به صورتی که فرصت اندیشیدن در معانی آن را ندارد، او قرآن را با ترتیل نخوانده است. آن نوع قرائت قرآن را ترتیل می‌گویند که شمرده و با آرامش خوانده شود آن هم به گونه‌ای که در دل‌ها اثر بگذارد. اینجاست که «ترتیل» با «تلاوت» تفاوتی نخواهد داشت. چرا که هر دو در یک جهت ملازم هم و مشترکند و آن «تدبیر در معانی و مفاهیم» آیات است. به طور کلی می‌توان

نتیجه گرفت که خداوند با دستور به «ترتیل» نوع خواندن قرآن را برای رسیدن به «تلاوت» شایسته و مصداق «حَقَّ تِلَاوَتِهِ» بیان می‌دارد.

نتیجه‌گیری

از این مقاله چنین برداشت می‌شود که:

- ۱- اولاً پیامبر ۶ مأمور بودند متن کلام دریافت شده را که در قالب الفاظ بر ایشان نازل شده بود، به سه شکل «قرائت»، «تلاوت» و «ترتیل» بر مردم بخوانند (مانند آیه ۹۸ سوره نحل). البته این الفاظ نشان می‌دهد که پیامبر ۶ کلماتی را که دیگری تنظیم کرده است بازگو می‌کند، نه اینکه خود، الفاظ قرآن را تولید کرده باشد (محمدی فرد، ۱۳۹۴، ص ۷۲ و ۷۳).
- ۲- امر به «قرائت»، امری استجابی، و از عبادات شخصی افراد است و این دستور به پیامبر ۶ (بجز در مواردی) از همین نگاه بوده است. یعنی جنبه فردی این عبادت مستحب را بیان می‌کند نه جنبه اجتماعی و تبلیغی را. پس قرائت مصدري عام است و برای فردی که قرآن را مثل سایر عبادات برای تقرب به خدا انجام می‌دهد به کار می‌رود. بنابراین در امر اقرار و قرائت، خواندن برای مردم مطرح نیست.
- ۳- قرائت صرف خواندن کلمات و الفاظ است حتی بدون فهم معانی. اما تلاوت اخص از «قرائت» است. چرا که هر تلاوتی قرائت است اما هر قرائتی، تلاوت نیست. تلاوت به فهم بهتر آیات کمک می‌کند و انگیزش انسان را بر عمل بیشتر می‌سازد. آیات مربوط به «قرائت»، آیاتی است که در اوایل بعثت، زمانیکه مردم جاهل بودند و زمینه‌ای برای فهم قرآن وجود نداشت نازل شده است. مانند آخرین آیه‌ی سوره مزمل: (فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...). اما مسئله‌ی «تلاوت» در آیاتی که در مدینه نازل شده، مطرح است مثل آیه‌ی (إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ).
- ۴- در اصطلاح علم تجوید ترتیل به زیبایی و روانی در قرائت همراه با آداء واضح کلمات و تأنی و تدبیر در آیات گفته می‌شود؛ چون کمال انسان در تدبیر در قرآن و تدبیر نیز در شیوه‌ی ترتیل صورت می‌پذیرد از پیامبر ۶ خواسته شده که برای تقویت روحیه‌ی خود قرآن را به همین شیوه تلاوت نماید.
- ۵- در نهایت، اگر ترتیل را حکم پروردگار در چگونگی خواندن قرآن بپذیریم، لازم است که، تلاوت و قرائت را دو بال وجود آن بدانیم که یکی پردازش به متن است؛ یعنی قرائت و دیگری در کنار خواندن متن، تدبیر در مفهوم و باطن متن است، یعنی تلاوت.

پیشنهادات

با توجه به آنچه گذشت و برای رسیدن به خواندنی که مورد مرضی پروردگار باشد، بایستی جامعه اسلامی سمت و سوق قرائت خود را بر اساس ترتیل، هم در لفظ و هم در معنا تنظیم نموده و از قرائت‌هایی که روح ترتیل و تدبیر در آن نیست بپرهیزد. در تقویت خواندن مفهومی و معنایی قرآن، بررسی و تحلیل قرائت قاریان مشهور جهان اسلام در رأس مسائل قرار گرفته و مربیان و اساتید بایستی در آموزش مبتدیان، از تلاوت‌های مفهومی اساتید برجسته و چهره‌های ماندگار معرفی نمایند تا سمت و سوق تلاوت‌ها در کشور از نوع مفهومی بوده باشد. البته چندین سال است مقام معظم رهبری این موضوع را در قالب‌های گوناگون، در دیدار چهره‌های قرآنی با معظم له ترسیم می‌نمایند. ایشان تقلید از اساتیدی همچون استاد عبدالفتاح شعاعی، مصطفی اسماعیل و از این طیف اساتید به قاریان پیشنهاد فرموده اند، حقاً پیشنهاد ایشان امر ولایی است و لازم الإطاعة و لازم الإجراء است.

در دعوت از اساتید مصری برای حضور در ایران نیز مسئولین امر باید این مهم را در نظر بگیرند و از اساتیدی که در اجرای نغمات، علاوه بر زیبایی و قوام آن، موارد تجویدی و مفاهیم را به دقت بیشتر اجرا می‌نمایند دعوت نمایند. برگزاری دوره‌های آموزش ترجمه و مفاهیم، و سایر کلاس‌های آموزشی مرتبط، تغییر مسابقات، تدوین کتاب‌ها و نرم افزارهای متناسب با این مهم، برگزاری کرسی‌های تلاوت در اکثر شهرها... از دیگر پیشنهادات این مقاله می‌باشد.

منابع و مراجع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ۲- نهج البلاغه، سیدرضی (۱۴۱۴ق). محمد بن حسین موسوی، ترجمه محمد دشتی، قم، موسسه نهج البلاغه، چاپ اول.

- ۳- ابن جزری، محمد بن محمد (بی‌تا). النّشر فی القرائات العشر. بیروت لبنان، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
- ۴- ابن جزری، محمد بن محمد بن علی بن یوسف (۱۳۵۰ق). منجد المقرئین و مرشد الطالبین. قاهره، مکتبه القدس.
- ۵- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم.
- ۶- ابن فارس، أحمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ق). مقاییس اللغه. محقق هارون عبدالسلام محمد، قم، تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول.
- ۷- ابن، أبی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. دارالفکر للطبعه والنشر و التوزیع، دارصادر.
- ۸- امین، نصرت (۱۳۶۱). تفسیر مخزن العرفان در تفسیر قرآن. تهران، نهضت زنان مسلمان، چاپ اول.
- ۹- أنصاری، محمد علی (۱۴۲۴). الموسوعه الفقهيّه الميسره ویلیها الملحق الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- ۱۰- بروجردی، سید حسین (۱۴۱۶ق). تفسیر الصراط المستقیم، قم، موسسه انصاریان، چاپ اول.
- ۱۱- بلاغی، سید عبدالحجت (۱۳۸۶ق). حجه التفسیر و بلاغ الإکسیر. قم، حکمت، چاپ دوم.
- ۱۲- بیهقی، احمد بن علی (۱۳۶۶). تاج المصادر. مصحح هادی عالم زاده، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۳- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). تفسیر کوثر. قم، هجرت، چاپ اول.
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). تفسیر تسنیم. تهران، انتشارات إسرائ.
- ۱۵- جوان آراسته، حسین، درسنامه ی علوم قرآنی، قم، حوزه علمیه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۸.
- ۱۶- حبیبی، علی؛ شهیدی، محمدرضا، (۱۳۹۱). روانخوانی و تجوید قرآن کریم. چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
- ۱۷- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه. قم، آل البیت، چاپ دوم.
- ۱۸- حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ق). انوار درخشان، تهران، لطفی، چاپ اول.
- ۱۹- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). تفسیر اثنا عشری، تهران، میقات، چاپ اول.
- ۲۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۳۲). مفردات الفاظ قرآن کریم. تهران، تهران، چاپ سید محمد کیلانی.
- ۲۱- سعدی، محمد جواد (۱۳۸۴). پرسمان قرائت قرآن. قم، بوستان کتاب، چاپ اول.
- ۲۲- سورآبادی، عتیق بن محمد (۱۳۸۱). تفسیر سورآبادی. مترجم علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو.
- ۲۳- شریعتی، محمدتقی (۱۳۴۶). تفسیر نوین، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۲۴- طالقانی، سید محمود (۱۳۵۸). پرتوی از قرآن. تهران، روشنگران.
- ۲۵- طباطبایی بروجردی، سیدحسین (۱۳۸۸). جامع احادیث الشیعه. ترجمه احمد اسماعیل تبار و دیگران، تهران، فرهنگ سبز، چاپ اول.
- ۲۶- همان، (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
- ۲۷- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. مترجمان، تهران، فراهانی، چاپ سوم.
- ۲۸- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق). التّبیان فی تفسیر القرآن. قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۲۹- طیب، عبدالحسین (۱۳۸۶). تفسیر أطیب البیان فی تفسیر القرآن. قم، موسسه سبطين.
- ۳۰- عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۹۰). قرآن شناسی. تهران، گنج معرفت، چاپ اول.
- ۳۱- علّامی، ابوالفضل (۱۳۷۸). پژوهشی در علم تجوید. تهران، انتشارات یاقوت.
- ۳۲- فخرالدین رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۱). تفسیر مفاتیح الغیب. ترجمه علی اصغر حلبی، تهران، اساطیر، چاپ سوم.
- ۳۳- قاری، علی بن سلطان محمد (۱۴۱۹ق). المنح الفکریه فی شرح متن الجزریه. مدینه، مکتب الدّار.

- ۳۴- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۸۷ش). قاموس قرآن. مترجم مرتضی آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۵- قمحاوی، محمد صادق (۱۴۰۵). البرهان فی تجوید القرآن و رساله فی فضائل القرآن. بیروت، عالم الکتب.
- ۳۶- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸). تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب. تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- ۳۷- کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. مصحح علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چاپ سوم.
- ۳۸- کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۰ق). تفسیر المعین، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
- ۳۹- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). اصول کافی، مترجمان هاشم رسولی و جواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- ۴۰- مدرّسی، محمد تقی (۱۳۷۷). تفسیر هدایت. ترجمه پرویز اتابکی و دیگران، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ۴۱- محمدی فرد، علی رضا (۱۳۹۴). آشنایی با قرآن، قم، تمهید.
- ۴۲- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التّحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران، نشر کتاب، چاپ سوم.
- ۴۳- معلوف، لویس (۱۳۸۶). المنجد فی اللغه، تهران، استقلال.
- ۴۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول.
- ۴۵- موسوی بلده، سید محسن (۱۳۸۲). حلیه القرآن سطح ۲. تهران، إحياء کتاب.
- ۴۶- مبینی، رشیدالدین، أحمد بن أبی سعد (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدّه الأبرار. تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم.
- ۴۷- نجفی، محمد جواد (۱۳۸۹ق). تفسیر آسان. تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ اول.
- ۴۸- نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۱ش). پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن کریم. تهران، اسوه.